

ملاحظات هدفمند کردن یارانه‌ها

ارفاق یارانه یا الزام هدفمندی؟

تحلیل مهندس حمید دوست محمدیان، مدرس دانشگاه و صاحب‌نظر مسایل اقتصادی

قانون هدفمند کردن یارانه‌ها که در راستای شناسایی گروه‌های هدف به منظور توزیع عادلانه درآمدها و ارتقای رفاه اجتماعی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، با دو رویکرد مهم اصلاح و تغییر ساختار قیمت‌ها و ساماندهی یارانه‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها که همان استقرار مکانیزم قیمت در اقتصاد است، باعث می‌شود قیمت‌ها بتوانند به سرمایه‌گذاران و کارآفرینان، به منظور تخصیص بهینه منابع اقتصادی، علامت‌دهی مناسب داشته باشند.

سیاست‌هایی که کشورها در راستای تسهیل کارکرد بازار اتخاذ می‌کنند، به‌طور عمده شامل آزادسازی تجاری و حذف تعرفه‌ها، کوچک‌سازی دولت و کاهش مخارج آن، مقررات زدایی و حذف موانع ورود و خروج، آزادسازی قیمت‌ها و حذف یارانه‌ها، خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی، استقرار بانک مرکزی مستقل، نرخ ارز آزاد و شناور، انضباط مالی و بودجه متوازن، کاهش مالیات‌ها و از میان برداشتن موانع سرمایه‌گذاری خارجی است که هر کدام علاوه بر تأثیرگذارشان بر کارایی اقتصاد، ارتباط تنگاتنگی در راستای تأمین سایر اهداف اقتصادی کشورها دارند.

لزوم اصلاحات متوازن

سیاست‌گذاران عرصه اقتصاد با اعمال سیاست‌های پولی و مالی به دنبال برقراری تعادل در هر دو بخش حقیقی و اسمی اقتصاد هستند. به عنوان مثال اگر قیمت در یک بخش اصلاح شود ولی در بخش دیگر در وضعیت غیرتعادلی باشد، بخش مهمی از جابه‌جایی‌هایی که در اثر آزادسازی قیمت به وجود می‌آیند، مستقیماً به بخش غیرتعادلی منتقل شده و ناکارایی‌های جدیدی را ایجاد می‌کنند.

از این منظر، اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها بدون اصلاح نرخ ارز جهت جبران تورم داخلی، باعث افزایش شکاف بین صادرات غیرنفتی و واردات خواهد شد که بی‌تعادلی گسترده‌ای را در تراز پرداخت‌ها به دنبال دارد.

اگر نرخ ارز متناسب با آزادسازی یارانه‌ها افزایش نیابد، بسیاری از صنایع تولیدی کشور بدون آن که فرصت تطبیق با شرایط جدید را داشته باشند، از گردونه رقابت حذف خواهند شد و این درست بر خلاف هدف کارآمدسازی قانون است.

پس از هدفمندسازی، با فرض ثبات وضعیت فعلی

نرخ ارز، بسیاری از صنایع تولیدی از دو مکانیزم مشابه ولی دارای تأخیر زمانی متفاوت، آسیب‌های جدی خواهند پذیرفت. یکی آن که با افزایش قیمت نهاده‌ها، هزینه‌های ناشی از مصرف انرژی برای صنایع افزایش می‌یابند. دوم



آن که به دلیل افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در جامعه، هزینه‌های ناشی از دستمزد نیروی کار، فشار مضاعفی را بر صنایع وارد می‌آورند. اما در صورتی که نرخ ارز به دنبال افزایش هزینه‌های تولیدکنندگان دو برابر شود، همچنان اتفاق خاصی نیفتاده است، اما اگر قیمت‌های ریالی دو برابر شده و نرخ ارز ثابت بماند، در واقع قیمت محصولات خارجی به میزان ۵۰ درصد برای مصرف‌کننده داخلی کاهش یافته و تقاضا برای خرید کالای خارجی به شدت افزایش می‌یابد که نتیجه این امر، ورشکستگی صنایع داخلی خواهد بود.

مسئله دیگر، استفاده و یا عدم استفاده از ابزار تعرفه جهت کنترل صادرات و واردات است. در اقتصاد ایران بیشتر محصولاتی که از طریق رسمی وارد کشور می‌شوند کالاهای سرمایه‌ای هستند که مشابه داخلی ندارند و کالاهای مصرفی، عمدتاً به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند. بنابراین اعمال سیاست تعرفه بالا بر واردات، عملاً نمی‌تواند صنایع داخلی را از خطر رقابت با رقبای خارجی محافظت کند. به علاوه آن که بعد از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و ثابت بودن نرخ ارز، سودآوری واردات و انگیزه قاچاق به مراتب افزایش می‌یابد و در نتیجه، سیل محصولات خارجی مصرفی بازارهای کشور

را فرا خواهد گرفت.

شایان ذکر است که میانگین تورم جهانی طی ۴ سال گذشته در سطح بین‌المللی به ندرت از ۳ تا ۴ درصد بالاتر رفته است. گفتنی است قیمت یک محصول خارجی طی این مدت بین ۱۳ تا ۱۷ درصد افزایش داشته، در حالی که در همین مدت، ایران نرخ ۱۸ تا ۲۵ درصدی تورم را تجربه کرده است. به عبارت دیگر، بهای مواد اولیه، هزینه دستمزد و سایر فاکتورهای تأثیرگذار بر قیمت کالای ایرانی در ۴ سال گذشته بین ۷۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش داشته‌اند.

در همین مدت، نرخ برابری دلار در برابر ریال ایران از ۹۰۰ به هزار تومان رسیده است که تغییری حدود ۱۰ تا ۱۱ درصدی را نشان می‌دهد که با اجرای هدفمندسازی و ثبات نرخ ارز، این نابرابری به مراتب بیشتر خواهد شد.

علاوه بر بازبینی در نظام نرخ ارز کشور، نیاز است در نظام بانکداری نیز بازبینی صورت پذیرد تا مواردی همچون معوقات بانکی، با اجرای این قانون افزایش نیابند. از آنجا که یکی از اهداف این امر، رهایی اقتصاد کشور از منابع نفتی است، باید برای اجرای صحیح آن، نظام و الگوی مالیاتی کشور اصلاح گردد.

علاوه بر موارد مذکور، اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، نیازمند تبیین ساز و کارهای دیگری است که باید به آنها توجه شود. استفاده از فن آوری IT و تأمین زیرساخت‌های ICT جهت پرداخت یارانه‌های الکترونیکی به جامعه هدف، یکی از این موارد است.

همچنین باید هر چه سریع‌تر حجم دولت کاهش یابد تا درآمدهای حاصل از هدفمندی یارانه‌ها جهت تشکیلات اداری و ساختاری دولت هزینه نشوند. علاوه بر این مطالب، موارد زیر نیز باید در نظر گرفته شوند تا اجرای طرح هدفمندسازی، کارایی لازم را داشته باشد: بهسازی صنایع فرسوده، لزوم پیش‌بینی نظامات کنترل و ارزیابی بازار، آزاد نمودن بازارهای مالی و پولی، ساماندهی درآمدهای دولت، ساماندهی واردات کالا، اجرای سیاست‌های انضباط مالی و بودجه، تقویت بخش خصوصی در زمینه‌های سرمایه‌گذاری در بخش انرژی، ضرورت حمایت دولت در حوزه‌های خاص، هماهنگی بین بخش‌های ستادی و عملیاتی و همکاری با دستگاه‌های نظارتی. ■

سهام مصرف انرژی در بخش‌های مختلف (۱۳۸۶) درصد

بخش‌ها	فراآوردهای نفتی	گاز طبیعی	زغال سنگ	برق
خانگی، عمومی و تجاری	۲۰/۸۳	۶۶/۴۴	۰/۰۲	۱۱/۵۳
صنعت	۲۷/۳۶	۵۹/۳۶	۰/۴۱	۱۲/۸۷
حمل و نقل	۹۷/۴۹	۲/۴۷	-	۰/۰۴
کشاورزی	۶۹/۳۳	۲/۹۶	-	۲۷/۸۱

نتیجه، سیل محصولات خارجی مصرفی بازارهای کشور استخراج: «اقتصاد ایران» از مرکز پژوهش‌های مجلس